

سنجش سرمایه فرهنگی طبقات براساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان اصفهانی)

سحر فائق *

بهمن باینگانی **

چکیده

موضوع مطالعه حاضر سنجش سرمایه فرهنگی طبقات بر اساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی در میان شهروندان اصفهانی است. رویکرد نظری این پژوهش بر ترکیبی از نظریه پیر بوردیو و ماکس وبر استوار شده است. بلحاظ روش شناسی، در مطالعه حاضر روش تحقیق پیمایشی بکار رفته و جهت جمع آوری اطلاعات نیز از تکنیک پرسشنامه بهره گرفته شده است. نمونه تحقیق حاضر ۴۰۰ نفر از شهروندان ۲۰ تا ۶۴ ساله شهر اصفهان در ۱۴ منطقه شهری در سال ۱۳۹۳ بوده که به روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز تحلیل واریانس یک طرفه، ضریب اتا و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. در سطح توصیفی نتایج بدست آمده نشان داد که بیشتر شهروندان در طبقه متوسط قرار دارند و میزان سرمایه فرهنگی و ابعاد آن در میان طبقات متفاوت است، به طوری که کمترین میانگین مربوط به طبقه پایین، سپس طبقه متوسط و بیشترین آن مربوط به طبقه بالا است. در سطح تحلیلی نیز یافته‌ها نشان داد که پایگاه اقتصادی اجتماعی با سرمایه فرهنگی رابطه معناداری دارد و از میان ابعاد آن بیشترین نقش تبیین کنندگی را در زمینه سرمایه فرهنگی نهاده شده ایفاء می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سرمایه فرهنگی، طبقه، میدان، عادت واره، پایگاه اقتصادی - اجتماعی.

* دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تهران - ایران. (نویسنده مسئول) s.faeghi@gmail.com

** استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد سمنج، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنج، ایران. bahman.bayangani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۱۴

۱. مقدمه

از چند دهه قبل، تغییری انقلابی در مفهوم سرمایه بوجود آمده و مفهوم سرمایه‌های جدید مطرح شده است بطوریکه، مفهوم سرمایه به عرصه‌های مختلفی مثل مدیریت دانش، تکنولوژی اطلاعات، ساختار، شبکه‌های اجتماعی و منابع نهفته در شبکه‌ها، گردش اطلاعات، قابلیت‌ها، مهارت‌ها و دانش کارگران نیز گسترش یافته است (استوربرگ (Storberg)، ۲۰۰۲: ۴۰۹). یکی از معروف‌ترین این سرمایه‌های جدید که امروزه بسیار از آن سخن گفته می‌شود، سرمایه فرهنگی است.

به جهت اهمیت و گستردگی نقش این نوع سرمایه، بسیاری از تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان اجتماعی از آن به عنوان منبع بسیار مهمی در تعیین ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یاد نموده اند (نادعلی، ۱۳۸۷). این نوع سرمایه در یک معنای اقتصادی می‌تواند ابزاری را برای بازنمایی فرهنگ فراهم کند که این امکان را بوجود می‌آورد که جلوه‌های ملموس و ناملموس فرهنگ را به صورت ذخایر بادوام ارزش و تأمین‌کننده منافع افراد و گروه‌ها در نظر بگیریم (تراسبی، ۱۳۸۷: ۶۸-۶۷). اگرچه اندیشمندان مختلفی از جمله دیوید تراسبی، پل دیماجیو، و بونی اریکسون (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹) به تشریح سرمایه فرهنگی پرداخته‌اند اما همچنان مهم‌ترین تعریف و استفاده از سرمایه فرهنگی متعلق به پی‌یر بوردیو است. وی در مقام مبدع مفهوم سرمایه‌ی فرهنگی، رویکردی نخبه‌گرایانه به فرهنگ دارد (لیزاردو (Lizardo)، ۲۰۱۱: ۲) و در نتیجه سرمایه فرهنگی را شناخت و درک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه‌ی خوب و شیوه‌های عمل متناسب می‌داند (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۸). آنچه در مورد بوردیو اهمیت دارد استفاده‌ای است که او از این مفهوم در دستگاه نظری خود در ارتباط با طبقات به عمل می‌آورد. بوردیو نه تنها از سرمایه فرهنگی طبقات مختلف سخن می‌گوید بلکه نشان می‌دهد که این طبقات چگونه با استفاده از این نوع سرمایه به بازتولید خود می‌پردازند (شامپاین، ۱۳۹۱).

طبقه و تحلیل طبقاتی، یکی از شیوه‌های تحلیل نابرابری است. گرچه عمر مفهوم طبقه به پیش از کارل مارکس برمی‌گردد (کالینیکوس، ۱۳۸۳)، اما تحلیل طبقاتی بیش از همه با مارکس شناخته می‌شود. برای مارکس طبقات گروه‌هایی از اشخاص هستند که در سازمان تولید، عملکرد خاصی دارند؛ یعنی با توجه به موقعیت خاص آنها در نظم اقتصادی از یکدیگر متمایز می‌شوند. ضمناً تناقض‌هایی سیاسی نیز در تعیین این موقعیت‌ها ذی‌مدخلند. این طبقات درگیر تضادی دائمی با یکدیگرند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۲: ۷). در

ادوار بعدی نیز مارکیست‌ها همین خط تحلیل را ادامه دادند و آن را با شرایط جدید سازگار کردند. اما تحلیل مارکیستی، تنها شیوه تحلیل نابرابری نیست. انواع دیگری از تحلیل نیز وجود دارند که به ویژه متأثر از تفکرات ماکس وبر اندیشمند آلمانی هستند. رویکرد وبر درباره قشربندی اجتماعی بر پایه تحلیل مارکس بنا گردیده اما وی آن را تا اندازه‌ای تغییر داده و تکمیل کرده است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۲۴).

وبر معتقد است که اگرچه طبقه بر پایه‌ی شرایط اقتصادی به طور واقعی تعیین می‌شود، اما عوامل اقتصادی بیشتری نسبت به آنچه مارکس شناخته است در شکل‌گیری طبقه اهمیت دارند بطوریکه علاوه بر طبقه، پایگاه و حزب نیز بر قشربندی تأثیر می‌گذارند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۴۵-۲۲۴). متفکران بعدی نیز الگوی تحلیل نابرابری خود را عمدتاً بر آثار مارکس و وبر بنا نهادند و هر یک با تأکید بر ابعادی از اندیشه این دو نفر، وجهه‌ای مارکیستی یا وبری به آرای خود بخشیده و در ضمن نظریات این دو اندیشمند را بسط و توسعه داده‌اند.

اما مسئله‌ی سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی که مورد بررسی تحقیق حاضر است در واقع نمایانگر نوعی رابطه اجتماعی است که بازتولید کننده‌ی سلطه است. در عمل، قشر بندی اجتماعی بر نابرابری در ترکیبی از منابع مادی و غیر مادی مبتنی است و این امری است که در تحلیل‌های اقتصادی صرف به آن پرداخته نمی‌شود. در واقع امروزه و بعد از چرخش فرهنگی اعتقاد بر این است که اقتصاد از طریق فرهنگ عمل می‌کند (پریستون (Preston)، ۲۰۰۵، اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶) و منابع فرهنگی از جهاتی فراتر از منابع اقتصادی بازتولید نابرابری هستند. اما آنچه ابتدا در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، نفس این رابطه است.

براین اساس با توجه به اهمیت سرمایه فرهنگی در زندگی معاصر و مخصوصاً نقش مهم آن در تعیین و بازتولید طبقات اجتماعی، هدف غایی پژوهش حاضر سنجش سرمایه فرهنگی بر اساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی است، به عبارت دیگر هدف اصلی ما در این تحقیق بررسی این مسأله است که میزان سرمایه فرهنگی طبقات مختلف (پایین، متوسط و بالا) در بین شهروندان اصفهانی به چه میزان است؟ و همچنین پایگاه اقتصادی اجتماعی شهروندان اصفهانی تا چه اندازه با سرمایه فرهنگی طبقات ارتباط دارد.

۲. مبانی نظری

به اعتقاد بوردیو (۱۹۸۴)، ساختار اجتماعی هر جامعه سرمایه‌داری پیشرفته‌ای، همانند نوعی فضای اجتماعی پیچیده است که در آن اشکال متنوع سرمایه موقیعت‌های اجتماعی را که به گونه‌ای افقی و سلسله‌مراتبی متمایز است، تعیین می‌کند. بوردیو در مقاله‌ی اشکال سرمایه (۱۹۸۶ الف)، از سه نوع سرمایه اصلی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نام می‌برد و برای آنها از سایر سرمایه‌ها ارزش بیشتری قائل می‌شود. در این میان اما در محافل جامعه‌شناختی از وی اغلب تحت عنوان «مرد سرمایه فرهنگی» یاد می‌شود (گرنفل (Grenfell)، ۲۰۰۴: ۸۹). بوردیو، این مفهوم را در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰، ابداع نمود تا نشان دهد که موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری در موفقیت‌های آموزشی دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مختلف، کافی نیست (وینگر و لیرو، ۱۳۹۳: ۴۸). وی به بیان دقیق‌تر در کتاب نظریه کنش، هدف از طرح مفهوم سرمایه فرهنگی را ارائه ساز و کار پیچیده‌ای می‌داند که از طریق آن، نهادهای آموزشی موجب بازتولید نحوه توزیع سرمایه فرهنگی می‌شوند (بوردیو، ۱۳۸۰).

نکته حائز اهمیت در اندیشه بوردیو، راجع به انواع سرمایه آن است که اشکال گوناگون سرمایه قابل تبدیل به هم هستند؛ اگرچه موانعی نیز در راه تبدیل این انواع سرمایه به یکدیگر وجود دارد (ممتاز، ۱۳۸۳، کروی، ۱۳۸۷). به علاوه از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی در فضای اجتماعی معنا پیدا می‌کند. فضای اجتماعی موجودیتی غیر یکپارچه است که در آن مدل‌های کوچک متمایزی از قاعده‌ها، مقررات و اشکال قدرت وجود دارد (فاضلی، ۱۳۸۴: ۳۲). در فضای اجتماعی عاملان بیشتر بر پایه شعور عملی رفتار انجام می‌دهند تا محاسبه عقلانی یا حرکتی درونی با نیت عمدی. در نتیجه سلسله‌ای از تمایلات، گرایش‌ها و کنش‌های گوناگون به ذهن منتقل شده که افراد از آن آگاه نیستند (توسلی، ۱۳۸۷: ۱۰۰). این تمایلات پایدار و طرحواره‌های ادراک و ارزش‌گذاری و کنش را بوردیو عادت‌واره می‌نامد. عادت‌واره چیزی است که به افراد امکان می‌دهد به آن محیط اجتماعی روی آورند که متعلق به آنهاست و عاداتی را بپذیرند که با تعلق اجتماعی آنان متناسب است (کوش، ۱۳۸۱: ۱۳۹) و این امر به معنای آن است که عادت‌واره در خلاء پدید نمی‌آید بلکه رفتارهای عاملان همواره به واسطه امور درونی شکل می‌یابد که خود بازتاب ساختارهای بیرونی‌اند. این ساختارهای بیرونی همان شبکه‌های ارتباطی هستند که فضای اجتماعی را برش می‌دهند. این شبکه‌های روابط که میان جایگاه‌های عینی وجود دارند و جدای از آگاهی و اراده فردی هستند، میدان نام دارند (ریتزر، ۱۳۸۷: ۷۲۴). میدان‌ها مدل‌های

کوچک متمایز در درون فضای اجتماعی هستند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۸) و رفتارهای عاملان عموماً بیان غیر بازاندیشانه رغبت‌ها، ظرفیت‌ها و خصلت‌هایی است که در میدان‌ها یا برای میدان‌ها شکل گرفته‌اند (فونتن و شویره، ۱۳۸۵: ۱۲۸) و به همین دلیل است که این رفتارها بیشتر نتیجه‌ی عقل عملی هستند تا عقل نظری. میدان‌ها از درون بر اساس روابط قدرت ساخت می‌یابند (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۳۶) و همین امر باعث می‌شود که هریک از میدان‌ها عقلانیت خاص خود را داشته باشند و عاملان را مجبور به مبادله بر مبنای این عقلانیت کنند اما مبادلاتی که در این میدان‌ها صورت می‌گیرد کنش اقتصادی معطوف به افزایش سود مادی یا سود نمادین هستند که در جریان مبادله کسب می‌شوند (بورديو، ۱۹۷۷: ۵۰۷-۵۰۵). میدان از طریق عملکرد با عادت‌واره پیوند می‌یابد و بدین سان عادت‌واره با عملکرد (Practice) ساخته می‌شود و در جهت کارکردهای عملی قرار می‌گیرد که در میدان صورت می‌گیرند (ریترز، ۱۳۸۷: ۷۲۴). این عملکردها برای دستیابی به انواع سرمایه صورت می‌گیرد (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۳۳). می‌توان گفت سرمایه همان چیزی است که به میدان وجود می‌بخشد؛ و سرمایه باید وجود داشته باشد تا کشاکش برای دستیابی به آن در درون میدان رخ دهد. این کشاکش، بنیان سلطه را در میدان شکل می‌دهد (استونز، ۱۳۷۹: ۳۵۵). بورديو علاوه بر سرمایه اقتصادی، در سراسر آثار خود سه نوع دیگر سرمایه‌ی اجتماعی، فرهنگی و نمادین را نیز تشخیص می‌دهد (فونتن و شویره، ۱۳۸۵: ۹۸). در این میان به اعتقاد وی سرمایه فرهنگی، از طریق منابعی چون پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی شکل می‌گیرد، و می‌تواند تا حدی مستقل از دارایی‌های مادی عمل کند و حتی کمبود پول را جبران کند (فیلد، ۱۳۸۸: ۲۹).

بورديو در تعریف عملیاتی سرمایه فرهنگی، آن را دارای سه بعد می‌داند که در بعد «تجسم یافته» به دانسته‌های افراد و آنچه به صورت توانایی‌های فردی در آنها درونی شده اشاره می‌کند؛ در بعد «عینیت یافته» مجموعه‌ای از میراث‌های فرهنگی مانند شاهکارهای هنری، تکنولوژی ماشینی و قوانین علمی را در بر می‌گیرد که به صورت کتب و اسناد و اشیاء در تملک اختصاصی افراد و خانواده‌هاست و در بعد «نهادی» به کمک ضوابط اجتماعی و بدست آوردن عناوین برای افراد کسب موقعیت می‌کند (بورديو، ۱۹۸۶: ۲۴۵-۲۴۳).

بورديو مفهوم سرمایه فرهنگی را بیش از همه در رابطه با طبقات مهم می‌داند و در حالیکه مارکس طبقه‌ی اجتماعی را بر اساس جایگاه فرد در روابط تولید تعریف می‌کند، بورديو آن را با مفهوم سرمایه تبیین می‌کند (شامپاین، ۱۳۹۱: ۳۲). از نظر بورديو در ارتباط

میان سرمایه و طبقه سه بعد مؤثر است: میزان کلی سرمایه، ترکیب سرمایه و بعد زمانی سرمایه (وینینگر (Weininger)، ۲۰۰۵: ۱۲۳). در واقع بورديو با تعريف طبقات بر مبنای میزان و ترکیب سرمایه، امکانات گسترده تری را برای بررسی و نقد مفهوم سلطه نسبت به پیشینیان خود که صرفاً بر یک بعد (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی) تأکید داشتند، فراهم می آورد (فاضلی، ۱۳۸۴: ۳۵-۳۴). بر این اساس بورديو سه طبقه را از هم تشخیص می دهد. یعنی طبقات مرفه، متوسط و مردمی. اگرچه در هرکدام از این طبقات نیز با توجه به ترکیب سرمایه جناح های طبقاتی متفاوتی را تشخیص می دهد (شامپاین، ۱۳۹۱: ۳۳).

این نوع مشخص کردن طبقات، و مخصوصاً اهمیت قایل شدن برای طبقه متوسط (خرده بورژوازی و انواع آن) بیش از پیش بورديو را از مارکس دور و به نظریه ای قشر بندی و بر نزدیک می کند. از نظر وبر، گرچه طبقه و تحلیل طبقاتی همچنان عوامل مهمی در بررسی نابرابری در جوامع جدید هستند، اما طبقه تنها یکی از عوامل قشر بندی است و ریشه قشر بندی را به طور کلی باید در توزیع نابرابر قدرت جستجو کرد و ریشه های قدرت را نیز باید در موقعیت طبقاتی، منزلتی و حزبی افراد و گروه ها پیدا کرد (گورویچ، ۱۳۵۸: ۱۴۲). طبقات بر مبنای موقعیت طبقاتی، زمانی شکل می گیرند که مجموعه ای از مردم در یک عنصر علی ویژه از فرصت های زندگی خود اشتراک داشته باشند تا آنجا که این عنصر ویژه صرفاً بواسطه منافع و علائق اقتصادی در تملک کالاها و فرصت های درآمدی در بازار کالا و کار تعیین شود (وبر، ۱۹۶۸: ۲۱). اما منزلت و وضعیت منزلتی از دیگر ریشه های قدرت هستند. این وضعیت بستگی به ارزیابی سایر اعضای جامعه از وضعیت و پایگاه گروه ها دارد. در واقع وبر از گروه های منزلت سخن راند و نه از منزلت به مثابه صفتی برای افراد و موقعیت ها (رنگ، ۱۳۸۱: ۶۲). طبقات به واسطه گروه های منزلتی در دوران آنها، پدیده های یکدستی نیستند. در نهایت حزب اشاره به هر نوع تجمع داوطلبانه برای کسب کنترل در یک تشکیلات به منظور اجرای سیاست های خاص در آن تشکیلات دارد (وبر، ۱۹۶۸: ۲۱). گرچه وبر گروه های سیاسی به معنای خاص کلمه را در این تعریف مد نظر دارد و نه تمامی گروه هایی را که این تعریف مستعد در بر گرفتن آنهاست.

متفکران متأخر با بهره گیری از آراء وبر در صدد توسعه دستگاه های فکری آنها برآمدند، متفکرانی نظیر گیدنز (۱۹۷۳)، پارکین (۱۹۷۹) و دارن دورف (۱۹۵۹) (به نقل از پناهی و امیدی، ۱۳۹۱) نیز با بسط عناصری از چارچوب های تحلیل های مارکس و وبر و با تأکید بیشتر بر نظریات وبر و پررنگ کردن بنیادهای تحلیلی او به بررسی مسأله نابرابری اجتماعی

و قشربندی پرداخته‌اند. گرچه علارغم غنای این تحلیل‌ها، امکان پرداختن به تمامی آنها در این مقاله وجود ندارد. در هر حال آنچه در تحقیق حاضر به عنوان شاخص قشربندی در نظر گرفته شده است تفاوت در پایگاه اقتصادی - اجتماعی است. مبنا قرار دادن این پایگاه، چارچوب بررسی قشربندی را به آرای وبر نزدیکتر می‌کند. اغلب تحلیل‌ها نیز پایگاه اقتصادی - اجتماعی را مبنای تحلیل خود قرار داده‌اند که در واقع عناصری از طبقه و منزلت را که در نظریات وبر از عوامل اساسی قشر بندی هستند، در بر می‌گیرد (موقعیت حزبی که از عوامل دیگر قشربندی است به دلیل مشکلات خاص سنجش آن در این پایگاه وارد نمی‌شود). ضمناً این چارچوب به معنایی که بورديو از طبقه دارد نیز نزدیک است و از این رو برای هدف‌های تحلیلی تحقیق حاضر مناسب‌تر و کارآمدتر است.

۳. فرضیات پژوهش

۱.۳ فرضیه کلی

- میزان سرمایه فرهنگی در میان طبقات مختلف شهروندان اصفهانی دارای تفاوت معناداری است.

۲.۳ فرضیات فرعی

- میزان سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته در میان طبقات مختلف شهروندان اصفهانی دارای تفاوت معناداری است.

- میزان سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده در میان طبقات مختلف شهروندان اصفهانی دارای تفاوت معناداری است.

- میزان سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته در میان طبقات مختلف شهروندان اصفهانی دارای تفاوت معناداری است.

۴. روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این پژوهش، کمی و از نوع پیمایش بوده است. در این روش اطلاعات مورد نظر از یک جمعیت نمونه معرف گردآوری شده و نتایج به کل جامعه آماری تعمیم داده می‌شود (گال و همکاران، ۱۳۸۶، ۶۴۳)، تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو

سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام گرفت، در سطح آمار توصیفی و استنباطی از نرم افزار SPSS، و برای آزمون مدل تجربی تحقیق (روایی سازه) از معادلات ساختاری با نرم افزار آماری AMOS استفاده شده است. در این پژوهش ابزار گردآوری اطلاعات، یک پرسشنامه دو بخشی متشکل از اطلاعات جمعیت‌شناختی و سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد آن بوده است. جهت سنجش سرمایه فرهنگی، از پرسشنامه محقق‌ساخته، استفاده شد. این پرسشنامه که پرسشنامه سنجش سرمایه فرهنگی نام گرفت، از سه بعد اصلی و یازده مؤلفه تشکیل شده است.

۵. جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این بررسی، شهروندان زن و مرد ۲۰ تا ۶۴ ساله ساکن در ۱۴ منطقه شهرداری شهر اصفهان بوده که بر اساس آمار بدست آمده از مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵ و برآورد آن در سال ۱۳۹۳، تعداد آنها ۱۰۰۵۲۰۷ نفر گزارش شده است. حجم نمونه نیز بر حسب فرمول کوکران ۳۸۴ نفر بدست آمد که جهت جلوگیری از افت داده‌ها در جریان تحقیق و بالا بردن دقت با توجه به واریانس جامعه آماری، این رقم به ۴۰۰ نفر ارتقاء یافت. توزیع پرسشنامه‌ها نیز روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و بر اساس نسبت سن و جنسیت در اختیار شهروندان نمونه قرار گرفت.

۶. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

۱.۶ تعریف مفهومی

۱.۱.۶ سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

بر اساس مبانی نظری، سرمایه فرهنگی بدین گونه تعریف شد: شناخت و درک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب است (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۸). در عین حال بوردیو معتقد بود که سرمایه فرهنگی به سه شکل وجود دارد. سرمایه فرهنگی در شکل تجسم یافته، «شایستگی و قابلیت» یا توانایی‌هایی است که نمی‌توان آن را از «حامل‌اش» (یعنی، شخصی که آن مهارت‌ها و قابلیت‌ها را دارد) جدا نمود. همچنین بوردیو ذکر می‌کند که اشیاء نیز تا آنجایی که استفاده از آنها یا مصرف آنها مستلزم داشتن میزان مشخصی از سرمایه فرهنگی است، می‌توانند به عنوان شکلی از سرمایه

فرهنگی عمل کنند. برای نمونه، یک متن فلسفی صورتی «عینیت یافته» از سرمایه فرهنگی است، زیرا فهم آن مستلزم آموزش‌های قبلی در زمینه فلسفه است. در نهایت اینکه، در جوامع دارای نظام‌های رسمی آموزش، سرمایه فرهنگی به شکلی «نهادینه شده» وجود دارد (وینگر و لیروا، ۱۳۹۳: ۹-۴۸).

۲.۱.۶ پایگاه اقتصادی و اجتماعی

مفهوم پایگاه در طول تکوین نظریات جامعه‌شناختی دچار تحول شده است. ماکس وبر از نخستین کسانی بود که به این تغییر معنایی توجه کرد و کوشید مفهوم جدیدی از پایگاه ارائه دهد. به عقیده وی، پایگاه اجتماعی فرد، تجلی قدرت او در عرصه اجتماعی است (قاسمی و صمیم، ۱۳۸۷: ۸۸). وی معتقد بود که پایگاه اجتماعی فرد، همراه با طبقه یا درآمد و قدرت سیاسی، بعد اصلی قشربندی اجتماعی را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر اگر فرد پایگاه بالایی داشته باشد، ثروت نیز بدنبالش خواهد آمد (ملک، ۱۳۸۱: ۵).

۲.۶ تعریف عملیاتی

در اینجا براساس مبانی نظری، ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی بصورت زیر عملیاتی شده‌اند:

۱.۲.۶ سرمایه فرهنگی تجسم یافته

بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی از طریق تمایل افراد به فعالیت در امور هنری و رخدادهای فرهنگی نظیر میزان آشنایی و علاقمندی به فعالیت‌های فرهنگی-هنری از جمله موسیقی، خط و نقاشی، ورزش، بازدید از نمایشگاه‌های کتاب و نمایشگاه‌های فرهنگی-هنری، موزه‌ها و حضور در کلاس‌های زبان خارجی، تسلط به زبان‌های دیگر و ... مورد سنجش قرار گرفت (فائق، ۱۳۸۹).

۲.۲.۶ سرمایه فرهنگی عینیت یافته

بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی با سه مؤلفه شامل ۱- داشتن وسایل و امکانات مانند اتاق مخصوص مطالعه، کتابخانه شخصی، کامپیوتر، اینترنت، ماهواره، ادوات موسیقی، وسایل و تجهیزات ورزشی، دوربین‌های عکاسی و فیلم‌برداری، تعداد کتب موجود در منزل غیر از کتب کمک درسی و آموزشی و ...، ۲- خلق اثرات فرهنگی توسط فرد در حوزه هنرهای

تجسمی و دستی، هنرهای نمایشی، شعر و ادبیات، موسیقی، تألیفات و... و در نهایت ۳- دسترسی و مصرف کالاهای فرهنگی مانند منابع آموزشی و کمک آموزشی موجود در منزل شامل کتب کمک درسی و جزوات آموزشی، فیلم، دیسکته‌ها و CD آموزشی و کمک آموزشی و ...، مورد سنجش قرار گرفت (فائقی، ۱۳۸۹).

۳.۲.۶ سرمایه فرهنگی نهادینه شده

بعد نهادی سرمایه فرهنگی با شاخص‌هایی نظیر گواهی‌نامه‌های معتبر آموزشی و فرهنگی، مدارک تحصیلی، اسناد فرهنگی - هنری ثبت شده به نام فرد و کارت‌های عضویت در مراکز، موسسات و نهادهای فرهنگی مختلف مورد سنجش قرار گرفت (فائقی، ۱۳۸۹).

۴.۲.۶ پایگاه اقتصادی - اجتماعی

بر اساس آنچه که در بخش تعریف مفهومی گفته شد، پایگاه هم دارای جنبه‌های عینی و هم دارای جنبه‌های ذهنی است (بیرو، ۱۳۷۰: ۳۸۱). بر این اساس در پژوهش حاضر پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد بر اساس شاخص‌هایی عینی مانند میزان درآمد و سطح تحصیلات، نوع منزل، مناطق مسکونی و شاخص ذهنی تصور فرد در مورد جایگاه‌اش در قشر بندی اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. به عبارت دقیق‌تر، بعد عینی پایگاه اجتماعی از طریق مدرک تحصیلی فرد و والدین‌اش در شش سطح زیر دیپلم، دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و پزشک عمومی، دکتری تخصصی و پزشک متخصص و فوق تخصص و پایگاه اقتصادی از طریق میزان درآمد ماهیانه خانوار (کمتر از ۲۰۰ هزار تومان، بین ۲۰۰ تا ۳۷۵ هزار تومان - ۳۷۵ تا ۵۰۰ هزار تومان - ۵۰۰ تا ۶۲۵ هزار تومان - ۶۲۵ تا ۷۵۰ هزار تومان و ۷۵۰ تا ۱ میلیون تومان)، (پس انداز و هزینه به عنوان متغیرهای کنترل درآمد)، نوع منزل (مالکیت شخصی، رهن و استیجاری و رایگان) و منطقه مسکونی (۱۴ منطقه شهرداری شهر اصفهان)، ارزش گذاری وسیله نقلیه خانوادگی در رده بین (۰، تا ۲ میلیون تومان، تا ۷ میلیون تومان، تا ۱۲ میلیون تومان، تا ۱۷ میلیون تومان، تا ۲۲ میلیون تومان، تا ۲۷ میلیون تومان، تا ۳۲ میلیون تومان و بالای ۳۲ میلیون تومان و بررسی حدود ارزش هر متر مربع محلات مناطق ۱۴ گانه شهرداری شهر اصفهان و قرارداد آن‌ها در طیف توسط کارشناس آماری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان اصفهان مورد بررسی قرار گرفت. رتبه بندی پاسخگویان در طبقه‌های خیلی بالا، بالا،

متوسط، پایین و خیلی پایین نیز جهت سنجش بعد ذهنی شهروندان نسبت به پایگاه اقتصادی و اجتماعی شان مورد توجه واقع شد.

۷. بررسی ادبیات تجربی

ادبیات تجربی داخلی و خارجی نشان می‌دهد که هیچ مطالعه‌ی مشخصی تحت این عنوان انجام نشده است اما در معدودی از تحقیقات، رابطه بین سرمایه فرهنگی و عناصر آن و با پایگاه اقتصادی- اجتماعی و عناصر آن بررسی شده که در ادامه به آنها اشاره شده است: پناهی و امیدی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی با سرمایه فرهنگی (نمونه موردی شهر تهران)» به این نتیجه رسیده‌اند که بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد با میزان سرمایه‌های فرهنگی رابطه وجود دارد. علی بابایی و باینگانی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی میزان تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی بر سرمایه فرهنگی (مطالعه جوانان شهر پاره)» به این نتیجه رسیده‌اند که از میان مؤلفه‌های مختلف سرمایه اقتصادی، مولفه بالای از وسایل رفاهی، بیشترین نقش تبیین‌کنندگی را در زمینه سرمایه فرهنگی دارد.

در تحقیقات خارج از کشور نیز اندرسون و هسن (Andersen and Hansen) (۲۰۱۱) در تحقیقی که میان پنج نسل از دانش آموزان نروژی انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که بین نابرابری اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد. نتایج مطالعه داون (Dunn) (۲۰۰۸) نیز حاکی از آن بود که پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده‌های هندی بر موفقیت آموزشی کودکان تأثیر مثبت دارد. همچنین نتایج مطالعه گنورگ (Georg) (۲۰۰۴) که میان افراد سنین ۱۶ تا ۳۵ ساله آلمانی انجام داد، نشان‌دهنده آن بود که بین نابرابری اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد. هسن و ماستیکاسا (Hensen and Mastekaasa) (۲۰۰۶) نیز در مطالعه‌ای که در میان دانشگاه‌های نروژ در فاصله ۲۰۰۳-۱۹۹۷ انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بین خاستگاه طبقاتی و عملکرد دانشگاهی پاسخگویان رابطه وجود دارد.

۸. اعتبار و پایایی

۱.۸ اعتبار صوری

در اعتبار صوری (یا ذهنی) این مسأله بررسی می‌شود که آیا ابزار سنجش مورد نظر واقعاً مفهوم مورد نظر را می‌سنجد یا نه؟ (بیکر، ۱۳۸۶: ۱۳۹). در این پژوهش نیز به منظور تعیین

اعتبار صوری پرسشنامه مربوط به ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی جهت بررسی در اختیار اساتید، صاحب نظران و کارشناسان قرار گرفت و بعد از دریافت نظرات، اصلاحات ضروری انجام و پرسشنامه‌ی نهایی تنظیم و اجرا گردید.

۲.۸ پایایی پرسش نامه

مفهوم پایایی با این امر سر و کار دارد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد ویژگی‌های با ثبات آزمودنی را می‌سنجد (گال و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۳۱). در این پژوهش برای مشخص نمودن پایایی پرسشنامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و با توجه به نتایج بدست آمده برای گویه‌های مرتبط با سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه‌شده (۰/۸۷۱)، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت - یافته (۰/۸۳۴)، سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته (۰/۸۹۲) و سرمایه‌ی فرهنگی کل (۰/۸۱۵)، می‌توان گفت میزان آلفای بدست آمده قابل قبول است.

۹. یافته‌های تحقیق

۱.۹ یافته‌های توصیفی

بر اساس نتایج توصیفی ۱۹۸ نفر (۰/۴۹/۵) از پاسخگویان مرد و ۲۰۲ نفر (۰/۵۰/۵) از پاسخگویان زن بودند. همچنین به لحاظ سنی، بیشترین فراوانی را رده‌ی سنی ۳۵ تا ۵۴ سال با ۲۵۵ نفر (۰/۶۳/۸) و کمترین فراوانی را رده‌ی سنی ۵۵ تا ۶۴ سال با ۲۸ نفر (۰/۷/۰) به خود اختصاص دادند.

شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی و سرمایه فرهنگی نیز محاسبه شده و نتایج در جدول ۴-۹ الی ۴-۱۰ ارائه شده است.

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پایگاه اقتصادی و اجتماعی

پایگاه اقتصادی و اجتماعی	فراوانی	درصد
پایین	۱۴۴	۳۶۰
متوسط	۱۹۲	۴۸۰
بالا	۶۴	۱۶۰
جمع	۴۰۰	۱۰۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که ۱۴۴ نفر (۳۶٪) از پاسخگویان در طبقه پایین، ۱۹۲ نفر (۴۸٪) در طبقه متوسط و ۶۴ نفر (۱۶٪) در طبقه بالا قرار دارند، در واقع بیش از سه چهارم پاسخگویان در طبقه پایین و متوسط قرار دارند.

جدول ۶. شاخص‌های توصیفی متغیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن به تفکیک طبقه پایگاه اجتماعی-اقتصادی

عامل و ابعاد سرمایه فرهنگی	پایین	متوسط	بالا
میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
عامل سرمایه فرهنگی	-۰/۷۹	۰/۱۱	۱/۴۳
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	-۰/۸۶	۰/۱۵	۱/۴۸
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	-۰/۱۲	-۰/۳۹	۱/۱۸
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	-۰/۳۵	۰/۰۲	۰/۷۲

از جدول ۶ برای میانگین نمرات استاندارد عامل سرمایه فرهنگی و ابعاد آن به تفکیک طبقه پایگاه اجتماعی-اقتصادی پاسخگویان نتایج زیر استنباط می‌شود:

برای عامل سرمایه فرهنگی بیشترین میانگین ۱/۴۳ در طبقه بالا و کمترین میانگین -۰/۷۹ در طبقه پایین، در بعد عینیت یافته‌ی سرمایه فرهنگی بیشترین میانگین ۱/۴۸ در طبقه بالا و کمترین میانگین -۰/۸۶ در طبقه پایین، در بعد نهادینه شده‌ی سرمایه فرهنگی بیشترین میانگین ۱/۱۸ در طبقه بالا و کمترین میانگین -۰/۳۹ در طبقه متوسط و در بعد تجسم یافته‌ی سرمایه فرهنگی نیز بیشترین میانگین ۰/۷۲ در طبقه بالا و کمترین میانگین -۰/۳۵ در طبقه متوسط به دست آمده است.

۲.۹ تحلیل یافته‌ها

به منظور بررسی چهار فرضیه اصلی این تحقیق، که بررسی وجود تفاوت معنادار در سطح سرمایه فرهنگی و ابعاد آن (بعد عینیت یافته، بعد نهادینه شده و بعد تجسم یافته) در میان طبقات پایین، متوسط و بالا بود نیز از آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شد.

جدول ۷. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه مقایسه سرمایه فرهنگی و ابعاد آن بر حسب طبقه بندی پایگاه اجتماعی-اقتصادی

متغیر وابسته	منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	ضریب F	معناداری
سرمایه فرهنگی	برون گروهی	۵۰/۷۲	۲	۲۹/۰۱	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۲۸۳۳۸	۳۸۷		
	کل	۳۸۹/۰۰	۳۸۹		
بعد عینیت یافته	برون گروهی	۲۲۳/۸۶	۲	۲۴/۹۲	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱۷۸۲/۹۵	۳۹۷		
	کل	۲۰۰۶/۸۱	۳۹۹		
بعد نهادینه شده	برون گروهی	۲۵۰/۷۴	۲	۳۲/۴۹	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱۵۳۱/۵۲	۳۹۷		
	کل	۱۷۸۲/۲۶	۳۹۹		
بعد تجسم یافته	برون گروهی	۱۱۸/۸۵	۲	۴/۸۳	۰/۰۰۹
	درون گروهی	۴۷۶۵/۱۳	۳۸۷		
	کل	۴۸۸۳/۹۷	۳۸۹		

با توجه به نتایج جدول (۷) و سطوح معناداری به دست آمده ($p < 0.05$)، وجود تفاوت در سطح سرمایه فرهنگی و ابعاد آن در سه طبقه پایین، متوسط و بالا معنادار است و بر این اساس چهار فرضیه این پژوهش تأیید می گردد. حال برای بررسی چگونگی این تفاوت در سطح سرمایه فرهنگی و ابعاد آن در میان سه طبقه پایین، متوسط و بالا از آزمون تعقیبی LSD استفاده شد.

جدول ۸. نتایج آزمون تعقیبی LSD

معناداری	تفاضل میانگین	گروهها	متغیر وابسته
۰/۰۰۰	*- ۰/۳۷	پایین- متوسط	سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۰	*- ۱/۰۷	پایین- بالا	
۰/۰۰۰	۰/۶۹	متوسط- بالا	
۰/۰۰۰	*- ۰/۹	پایین- متوسط	سرمایه فرهنگی عینیت یافته
۰/۰۰۰	*- ۲/۲۲	پایین- بالا	
۰/۰۰۰	*- ۱/۳۲	متوسط- بالا	

۰/۰۰۰	*- ۱/۰۱	پایین- متوسط	
۰/۰۰۰	*- ۲/۳۴	پایین- بالا	سرمایه فرهنگی نهادینه شده
۰/۰۰۰	*- ۱/۳۳	متوسط- بالا	
۰/۴۹	۰/۲۷	پایین- متوسط	
۰/۰۱۴	*- ۱/۳	پایین- بالا	سرمایه فرهنگی تجسم یافته
۰/۰۰۲	*- ۱/۵۷	متوسط- بالا	

بر اساس یافته‌های به دست آمده از آزمون تعقیبی LSD نتایج ذیل استنباط می‌شود:

- اختلاف بین میانگین سرمایه فرهنگی در بین هر سه طبقه معنادار بوده، به طوری که کمترین میانگین مربوط به طبقه پایین، در جایگاه بعدی طبقه متوسط و بیشترین میانگین مربوط به طبقه بالا است.

- اختلاف بین میانگین بعد عینیت یافته در بین هر سه طبقه معنادار بوده، به طوری که کمترین میانگین مربوط به طبقه پایین، در جایگاه بعدی طبقه متوسط و بیشترین میانگین مربوط به طبقه بالا است.

- اختلاف بین میانگین بعد نهادینه شده در بین طبقات پایین و متوسط با طبقه‌ی بالا معنادار بوده، به طوری که میانگین طبقات پایین و متوسط کمتر از طبقه بالا است.

- اختلاف بین میانگین بعد تجسم یافته در بین هر سه طبقه معنادار بوده، به طوری که کمترین میانگین مربوط به طبقه پایین، در جایگاه بعدی طبقه متوسط و بیشترین میانگین مربوط به طبقه بالا است.

در رابطه با تحلیل رگرسیون خطی ساده‌ی داده‌ها باید گفت که برای عامل سرمایه فرهنگی ضریب تعیین ($R^2 = 0/12$) مبین آن است که ۰/۱۲ از واریانس سرمایه فرهنگی توسط پایگاه اجتماعی- اقتصادی تبیین می‌شود. برای بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی ضریب تعیین ($R^2 = 0/11$) مبین آن است که ۰/۱۱ از واریانس بعد عینیت یافته‌ی سرمایه فرهنگی توسط پایگاه اجتماعی- اقتصادی تبیین می‌شود. برای بعد نهادینه شده‌ی سرمایه فرهنگی ضریب تعیین ($R^2 = 0/14$) مبین آن است که ۰/۱۴ از واریانس بعد نهادینه شده‌ی سرمایه فرهنگی توسط پایگاه اجتماعی- اقتصادی تبیین می‌شود. برای بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی وجود رابطه خطی بین بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی تأیید نمی‌گردد.

جدول ۹. رگرسیون خطی برای تبیین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

متغیر وابسته	R^2	F	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی	۰/۱۲	۵۵/۰۲	۰/۰۰۰
بعد عینیت یافته	۰/۱۱	۴۸/۹۷	۰/۰۰۰
بعد نهادینه شده	۰/۱۴	۶۴/۴۸	۰/۰۰۰
بعد تجسم یافته	۰/۰۰۹	۳/۴۲	۰/۰۶

جدول ۱۰. میزان ضرایب معادله رگرسیون خطی سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

سرمایه فرهنگی		بعد عینیت یافته		بعد نهادینه شده		پایگاه اجتماعی - اقتصادی
Sig	β	sig	β	Sig	β	
۰/۰۰۰	۰/۳۵	۰/۰۰۰	۰/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۳۷	

با توجه به سطوح معناداری به دست آمده (sig \square ۰/۰۵) پایگاه اجتماعی - اقتصادی در تبیین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن به غیر از بعد تجسم یافته مؤثر بوده است، نتایج به شرح ذیل می باشد:

- برای عامل سرمایه فرهنگی با توجه به ضریب بتای به دست آمده، به ازای افزایش یک واحد نمره استاندارد پایگاه اجتماعی - اقتصادی سرمایه فرهنگی ۰/۳۵ نمره استاندارد افزایش می یابد.
- برای بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی با توجه به ضریب بتای به دست آمده، به ازای افزایش یک واحد نمره استاندارد پایگاه اجتماعی - اقتصادی بعد عینی ۰/۳۳ نمره استاندارد افزایش می یابد.
- برای بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی با توجه به ضریب بتای به دست آمده، به ازای افزایش یک واحد نمره استاندارد پایگاه اجتماعی - اقتصادی بعد نهادینه شده ۰/۳۷ نمره استاندارد افزایش می یابد.

۱۰. نتیجه‌گیری

در مقاله‌ی حاضر سرمایه فرهنگی در میان طبقات (پایین، متوسط و بالا) بر اساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. برای قشریندی از شاخص پایگاه اجتماعی - اقتصادی بهره بردیم که آشکارا با نظریه‌ی قشریندی ماکس وبر هماهنگ است. در مورد متغیر سرمایه فرهنگی نیز از چارچوب نظری پیر بورديو استفاده شد. بورديو در ارائه نظریه‌ی طبقات اجتماعی خود سهم قابل توجهی را به سرمایه فرهنگی اختصاص داده است (شامپاین، ۱۳۹۱: ۳۳). از نظر او نظام‌های نمادین به طور همزمان سه کارکرد مرتبط اما مجزا را انجام می‌دهند: شناخت، ارتباط و تمایز اجتماعی (بورديو، ۱۳۹۳). در این معنای سوم، نظام‌های نمادین به عنوان ابزار سلطه عمل می‌کنند. نظام‌های نمادین مسلط سبب یکپارچگی گروه‌های مسلط (بالا) هستند. آنها همچنین مایه‌ی ایجاد تمایز و سلسله مراتب گروه‌های بالا هستند و با ترغیب گروه‌های تحت سلطه، به پذیرش سلسله مراتب موجود تمایز اجتماعی، به آن مشروعیت می‌بخشند. بنابراین طبقات بالای جامعه فقط امکانات اقتصادی را در اختیار ندارند، بلکه سرمایه‌های غیر اقتصادی و بویژه سرمایه فرهنگی را نیز در اختیار دارند و بدان وسیله خود را از طبقات دیگر اجتماعی جدا می‌کنند.

نتیجه‌ی این نگاه بویژه در مباحث مربوط به توسعه و یا عدالت اهمیت می‌یابد؛ چنانکه امروزه توسعه از معنای محدود رشد اقتصادی صرف فراتر رفته و توجه ویژه به سایر سرمایه‌ها نیز در دستور کار توسعه دیده می‌شود. امروزه دیگر هدف توسعه، ایجاد و حفظ شکل‌های گوناگون سرمایه (فیزیکی، انسانی، اجتماعی، زیست محیطی و فرهنگی و نه صرفاً اقتصادی) است که در دستور کارهای مختلف قرار گرفته است.

در این میان مفهوم عدالت نیز که با توسعه گره خورده است به کم کردن فاصله میان بخش‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از جهات فرهنگی و ... اشاره دارد. زیرا امروزه می‌دانیم که نابرابری شدید در توزیع سرمایه فرهنگی می‌تواند پیامدهای نامطلوبی را برای جامعه داشته باشد از جمله: محدودیت اکثر اعضا جامعه در دسترسی به منابع معرفتی، محدود شدن امکان بسط خردگرایی تعمیم‌یافته در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، نزول سطح مشارکت همگانی مؤثر در تولیدات و خلاقیت‌های علمی و فرهنگی، محدودیت در گردش اطلاعات و جذب دانش‌های نوین و کاهش ارزش تغییر در جامعه. در چنین شرایطی تغییرپذیری در جامعه کاهش می‌یابد و تغییرات اجتماعی کند و ناعقلانی می‌شود و اکثریت افراد در تغییرات اجتماعی نقش پیرو را ایفا می‌کنند

(پناهی و امیدی، ۱۳۹۱: ۵۸). بنابراین نابرابری‌ها در عرصه فرهنگی دقیقاً به اندازه بررسی نابرابری‌های اقتصادی اهمیت دارند و به عبارت دیگر هم‌صدا با پرستون (۲۰۰۵) می‌توان گفت که در جوامع چند فرهنگی کنونی، ابعاد مادی یا اقتصادی نابرابری بسیار کمتر از ابعاد فرهنگی یا سیاسی نابرابری اهمیت دارد.

نتایج تحقیق حاضر نیز همسو با مباحث نظری نشان داد که اختلاف بین میانگین سرمایه فرهنگی در بین هر سه طبقه معنادار است، به طوری که کمترین میانگین مربوط به طبقه پایین، در جایگاه بعدی طبقه متوسط و بیشترین میانگین مربوط به طبقه بالا است و پایگاه اجتماعی و اقتصادی نقش تبیین‌کنندگی مهمی در سرمایه فرهنگی و ابعاد عینیت‌یافته و نهادینه‌شده‌ی آن دارد. بر این اساس می‌توان گفت در میان شهروندان اصفهانی، طبقه پایین هنوز در نابرابری شدیدی نسبت به بخش‌های متوسط و بالاتر از نظر مؤلفه‌های بعد عینیت‌یافته، تجسم‌یافته و نهادینه سرمایه فرهنگی به سر می‌برد و در حالی که که لایه‌هایی از بخش‌های میانی جامعه فاصله خود را با بخش بالایی کم کرده‌اند، اما طبقه پایین همچنان در شرایط نامطلوبی به سر می‌برد.

به علاوه، یافته‌های تحقیق حاضر با مطالعات تجربی محققانی نظیر پناهی و امیدی (۱۳۹۱)، علی بابایی و باینگانی (۱۳۸۹)، اندرسون و هسن (۲۰۱۱)، داوون (۲۰۰۸)، هسن و ماستیکاسا (۲۰۰۶) و گئورک (۲۰۰۴)، نیز که هر کدام به نوعی در مطالعاتشان نشان داده بودند که بین سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد، همسویی دارد.

در پایان و با توجه به اهمیت امر فرهنگی در توسعه باید گفت که وجود شکاف میان طبقات مختلف به لحاظ سرمایه‌ی فرهنگی مسلماً مانعی اساسی در تحقق توسعه خواهد بود. در واقع بازتولید فرهنگ طبقات مسلط، خدمت به تضمین سلطه مداوم آنها و تداوم اعمال قدرت پنهان آنهاست. این بازتولید طبقاتی از نظر بورديو باید از این منظر دیده شود که بازیگران که در تعقیب آگاهانه یا ناآگاهانه راهبردهای بازتولید اجتماعی هستند و در واقع سعی دارند که با این راهبردها مواضع خود را در سازمان قشر بندی حفظ کنند یا بهبود ببخشند. این راهبردها همانگونه که پیش از این ذکر شد شامل شیوه‌های سرمایه‌گذاری انواع مختلف سرمایه برای حفظ یا ارتقای موقعیت‌ها در میدان‌ها است و به حجم و ترکیب کلی سرمایه‌ای که باید حفظ شوند بستگی دارد. افرادی که این استراتژی‌ها را به کار می‌گیرند به دنبال متمایز ساختن خود هستند و این تمایز طبقاتی به مثابه نشانه‌گذاری یک قلمرو

مشروع فرهنگی وجود می‌یابد که عمدتاً خارج از دسترس و داوری‌های عامه مردم است. این تمایزات بواسطه آثاری که خود این تمایزات را بدیهی در نظر گرفته‌اند، تحکیم می‌شوند (لیوز (Lewis)، ۲۰۰۱: ۱۸۵) و در اینجا آنچه می‌تواند راهگشا باشد نوعی نقد مداوم برای رهایی از شیء واره شدن روابط میان طبقات مختلف جامعه و تغییر در حجم سرمایه‌ی آنها خواهد بود. این راهکار از طریق اقدام دولت با مشارکت‌های گروه‌های مختلف، جهت پویایی فرهنگی و کم کردن نابرابری امکان‌پذیر می‌شود. در این محور مسأله توزیع منابع در کنار ایجاد زیر ساخت‌ها و آزادی لازم برای مردم مناطق مختلف به منظور تحقق آزادانه خود در قالب فعالیت‌های فرهنگی اهمیت بسیار دارد. مردم باید از ابزارهای لازم بهره‌مند شوند تا بتوانند خرده فرهنگ‌ها و همچنین رقابتی برای کسب بالاترین میزان سرمایه فرهنگی در میدان فرهنگی مربوط به خود را به نمایش گذاشته و ارتقاء بخشند، تنها در چنین شرایطی است که علارغم وجود میدان‌های قدرت، نوعی نقد دائمی ضمن به چالش کشیدن بنیان‌های سلطه، امکان نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز را فراهم می‌آورد.

کتاب‌نامه

- ابادری، یوسف؛ چاوشیان، حسن (۱۳۸۱). «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی؛ رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۲۷-۳.
- اسلیتر، دن؛ تونکس، فرن (۱۳۸۶). جامعه بازار: بازار و نظریه اجتماعی مدرن، ترجمه حسن قاضیان، تهران، نشر نی.
- باینگانی، بهمن؛ کاظمی، علی (۱۳۸۹). «بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی»، فصلنامه مطالعات فرهنگی دانشگاه تهران: برگ فرهنگ. شماره ۲۱.
- بورديو، پیر (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
- بورديو، پیر (۱۳۸۴). شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری از کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- بورديو، پیر (۱۳۹۳). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- بیکر، تریز (۱۳۸۶). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائی، تهران: نی.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.

- پناهی، حسین؛ امیدی، مهدی (۱۳۹۱). «رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی با سرمایه فرهنگی (نمونه موردی شهر تهران)»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ششم، شماره ۱۷.
- تراسبی، دیوید (۱۳۸۷). اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، چاپ سوم، تهران: نی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۷). جامعه شناسی فرهنگی بوردیو؛ در مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران، تهران: جهاددانشگاهی.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵). پی‌یر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نی.
- رنگ، دنیس (۱۳۸۱). مارکس ویر و جامعه شناسی معاصر در آینده بنیانگذاران جامعه شناسی، گردآوری و ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: قومس.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۷). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- شامپاین، پاتریک (۱۳۹۱). پیر بوردیو، مرور زندگی و آثار، ترجمه ناهید مویید حکمت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- علی‌بابایی، یحیی؛ باینگانی، بهمن (۱۳۸۹). «بررسی میزان تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی بر سرمایه فرهنگی (مطالعه جوانان شهرستان پاوه)»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ششم، شماره ۱۸.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۴). «جامعه شناسی مصرف موسیقی»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات؛ سال اول؛ شماره ۴.
- فانقی، سحر (۱۳۸۹). رابطه بین سرمایه فرهنگی و اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- فونتن، اولیویه؛ شویره، کریستیان (۱۳۸۵). واژگان بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نی.
- فیلد، جان (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران: کویر.
- قاسمی، وحید؛ صمیم، رضا (۱۳۸۷). «مطالعه ای پیرامون رابطه قشر بندی اجتماعی و مصرف فرهنگی با استفاده از داده هایی در زمینه مصرف موسیقایی در شهر تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۱ و ۲.
- کالینیکوس، الکس (۱۳۸۳). درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی، ترجمه اکبر معصوم بیگی، تهران: آگاه.
- کروبی، مهدی (۱۳۸۷). «فرهنگ قومی، سرمایه فرهنگی و صنعت گردشگری»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۳۲۴-۳۰۹.
- کوش، دنی (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران: سروش.
- گال، مردیت، بورگ، والتر و گال، جویس (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی، ترجمه احمدرضا نصرافهانی، جلد اول، تهران: سمت.

سحر فائق و بهمن باینگانی ۱۴۷

-گروویچ، ژرژ(۱۳۵۸). مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.

-گیدنز، آنتونی(۱۳۸۳). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

-ملک، حسن (۱۳۸۱). جامعه شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، تهران: دانشگاه پیام نور.

-ممتاز، فریده(۱۳۸۳). «معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۲- ۴۱، صص ۱۶۰- ۱۴۹.

-نادعلی نجف آبادی، مریم(۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و بردباری اجتماعی (مطالعه موردی شهر نجف آباد)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.

-وینگر، الیوت؛ لیروا، آنت(۱۳۹۳). «سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی»، ترجمه بهمن باینگانی و هیرو قاسمی معصوم، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره هفدهم، شماره ۲، صص ۵۱-۴۸.

Andersen, Patrick Lie; Hansen, Marianne Nordli (2012). «Class and Cultural Capital-The Case of Class Inequality in Educational Performance», *European Sociological Review*, 27.1: 1-15.

Bourdieu, Pierre (1977). *Culture Reproduction and Social Reproduction*, Karabel and A. H Halsey (eds.), *Power and Ideology in Education*, Oxford University Press, New York : 487-511.

Bourdieu, Pierre (1984). *Distinction: a Social Critique of the Judgments of the Taste*, Translated by Richards Nice, Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.

Bourdieu, Pierre (1986a). *The form of capital*. In *Education: Culture, economy, and society*, ed. A.H. Halsey, Hugh Lauder, Phillip Brown, and Amy Stuart Wells, 46-58. Oxford: Oxford University Press.

Bourdieu, Pierre (1986b). *The forms of capital*. In J. C Richardson (Ed.) *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, New York: Greenwood press, 241-258.

Dunn, Kestrel (2008). «Cultural Capital, Socio-Economic Class, and Parental Involvement in Indian Children's Educational Experiences», *edul170*, available dkestrel.com/KDunn_IndianChildrenEducationExperiences.pdf.

Georg, Werner (2004). «Cultural capital and Social Inequality in life Course », *European Sociological review*, 20 (4): 333-344.

Grenfell, Michael (2004), *Pierre Bourdieu Agent Provocateur*, London, Continuum

Hensen, Marianne Nordli; Mastekaasa, Arne (2006). *Social Origins and Academic Performance at University*, *European Sociological Review*, 22(3): 277-291.

Lewis, Justin (2001). *Let's Get Serious: Notes on Teaching Youth Culture*. In Miller Today (ed.): *a Companion to Cultural Studies*. Blackwell Publishers Ltd: 30-317.

Lizardo, Omar (2011). «Pierre Bourdieu as a Post-cultural Theorist», *journal of Cultural Sociology*, 5: pp.25-44.

Preston, Pascal (2005). «The Cultural Turn versus Economic Returns: The Production of Culture in an Information Age», Available in: www.theirelandinstitute.com/republic/04/pdf/preston004.pdf.

Storberg, Julia (2002). «The Evolution of Capital Theory: A Critique of a Theory of Social Capital and Implications For HRD», *Human Resource Development Review*; 1; 468.

Weber, Max (1968). *Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology*, New York, Bedminster Press.

Weininger, Elliot B. (2005). *Foundations of Pierre Bourdieu's Class Analysis*. In: Wright, E. O. (ed.), *Approaches to Class Analysis*, Cambridge

Archive of SID